

بارم	نام و نام خانوادگی:		امتحان فلسفه	پایه یازدهم انسانی
	مدت امتحان		تاریخ امتحان:	دبیرستان:
0/5	1	توجه ویژه دکارت، به شناخت سبب شد که شاخه معرفت شناسی فلسفه رشد بیشتری کند و فیلسوفان بیشتری در دوره جدید بدان بپردازند <input type="radio"/> ص <input type="radio"/> غ از نظر سقراط، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشند، انسان به سعادت می رسد. <input type="radio"/> ص <input type="radio"/> غ		
1	2	تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند موجب ظهور دانشی به نام.....شده است از نظر حکمت متعالیه..... انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند		
4	3	در داخل پرانتز کلمه مناسب بگذارید(یک گزینه اضافی است) (پارمیندس - کانت - هراکلیتوس - ارسطو - فرانسیس بیکن - اوگوست کنت - سقراط - تالس - فیثاغورث) از این فیلسوف هیچ نوشته ای باقی نمانده است و از روی نوشته های فیلسوفان بعدی برخی از افکار او را به دست آورده اند) او برای اولین بار لفظ فلسفه را به کار برد) اندیشه وحدت اضداد از اوست) او برای نخستین بار به مفهوم بودن و شدن اشاره کرد) از اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد) از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید) از مؤسسان پوزیتیویسم که از این اصطلاح برای اولین بار استفاده کرد) این فیلسوف می گوید: معیار فعل اخلاقی، در اطاعت از وجدان است.		
1/5	4	کدام فیلسوف "ماندن در فطرت اول را شایسته انسان نمی داند و از انسان ها می خواهد که بکشند از فطرت اول عبور کنند و به فطرت ثانی که مرحله ای برتر و عالی تر است، برسند" الف) سهروردی      ب) ارسطو      ج) ملاصدرا      د) سقراط از فیلسوفان تجربه گرایی هست که به شهود عرفانی و تجربه دینی نیز معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهد الف) کانت      ب) دکارت      ج) هانری برگسون      د) اوگوست کنت "این فیلسوف ماتریالیست قرن نوزدهم نیز انسان را فقط یک موجود مادی می داند که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و...، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند" الف) هابز      ب) مارکس      ج) داروین      د) بیکن		
1	5	دانش فلسفه چه تفاوتی با سایر دانش ها دارد؟		
1/25	6	به سزالات زیر پاسخ کوتاه بدهید: سومین مرحله اندیشه ورزی و تفکر در انسان چیست؟ (0/25) از مسائل مورد توجه در فلسفه علوم اجتماعی کدام مسئله است؟ (0/5) بخش اصلی و ریشه ای فلسفه شامل کدام بخشهاست؟ (0/5)		
0/5	7	"فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه خیالات، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند" به کدام فواید تفکر فلسفی اشاره دارد؟		
0/5	8	در چه صورت می توان بنیان های فکری خود را ساخت و شخصیتی مستقل کسب کرد؟		

1	سقراط از گشت و گذار در شهر چه مقصودی داشت؟	9
0/75	نظر گرگیاس در مورد شناخت چیست؟	10
0/75	معرفت شهودی چگونه معرفتی است؟	11
0/5	کدام فیلسوف عقیده داشت که "شناخت عقلی بسیار مطمئن تر از شناخت حسی است و اموری را که عقل درک می کند، ارزش برتری دارد و باور داشت که عقل می تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد"؟	12
0/75	نظر کانت در مورد ابزار معتبر شناخت چیست؟	13
1	ارسطو در مورد حقیقت انسان چه دیدگاهی دارد؟	14
1	داروین بیست هادرمورد حقیقت انسان چه نظراتی را مطرح کرده اند؟	15
1	فلاسفه مسلمان بر اساس چه منابعی انسان را صاحب روح می دانند	16
0/5	"اگر چه انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد، اما این استعداد، به معنای رسیدن حتمی وی به کمالات نیست. انسان باید با اختیار و اراده خود این ظرفیت را به فعلیت برساند. یعنی باید مسیر تکاملی به سوی خدای را انتخاب نماید و با ایمان و عمل این مسیر را طی کند" این دیدگاه کدام فیلسوف در مورد حقیقت انسان است؟	17
1	از نظر افلاطون انسانی که به کدام فضیلتها آراسته است نیک بخت است؟	18
0/5	آیا از دیدگاه فلاسفه مسلمان با اعتقاد به خدا عمل به فضیلت ها قطعی و حتمی می شود؟ توضیح دهید	19
1	به عقیده فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست دلیل مقید بودن انسان به فعل اخلاقی چیست	20

به نام خدا

پاسخ فلسفه ۲ (شیما حمیدی شهرابی)

۱) الف) غلط توجه ویژه کانت به مسئله معرفت شناسی باعث شد فیلسوفان بیش تری در دوره جدید به آن بپردازند.

ب) غلط این نظر ارسطو است.

۲) الف) فلسفه ب) روح

۳) الف) تالس ب) فیثاغورس ج) هراکلیتوس د) پارمیندس ه) ارسطو ن) فرانسیس بیکن م) آگوست کنت  
ی) کانت

۴) الف) ج ملامدرا ب) ج برگسون د) ب مارکس

۵) هر دانش از دو جهت با سایر دانش ها تفاوت دارد. روش و موضوع روش علم فلسفه عقلی و استدلالی محض است که در این مورد با ریاضیات اشتراک دارد اما موضوع علم فلسفه که اصل وجود است تمایز آن از تمامی دانش هاست.

۶) الف) تفکر در اندوخته ها ب) اصالت جامعه یا فرد ج) هستی شناسی و معرفت شناسی

۷) استقلال در اندیشه

۸) با تامل فیلسوفانه در باور های مربوط زندگی آموختن چرایی آن ها و دلایل درستی یا نادرستی آنان و پذیرفتن باور های درست و کنار گذاشتن باور های نادرست.

۹) سقراط، خطاب به مردم آتن میگفت: از گشت و گذار در شهر جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و بزرگسالان را متقاعد سازم که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت، فضیلت نمی آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می آید.

۱۰) اولاً چیزی وجود ندارد. ثانیاً اگر چیزی وجود داشته باشد برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را ندارد. ثالثاً اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمیتواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید.

۱۱) معرفت شهودی یک معرفت بی واسطه است؛ یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی در قلب تجلی میکند.

۱۲) افلاطون



۱۳) او با طرح دیدگاهی جدید کوشش کرد هم اعتبار عقل و هم تجربه را اثبات کند و نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصویری مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او میرسد، در قالب این مفاهیم درک میکند.

۱۴) ارسطو نظر استاد خود افلاطون را پذیرفت که قوه نطق و قابلیت حیات وابسته به نفس است، نه بدن. بدن بدون نفس، یک موجود مرده است. از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه هیچ چیز دیگر. نفس، به تدریج این امور را کسب میکند و به فعلیت میرسد و کامل و کاملتر میشود. مقصود از ناطق بودن انسان هم صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوه تفکر و تعقل است. انسان با قوه تفکر خود استدلال میکند؛ یعنی از تصدیقات و تصورات خود کمک میگیرد و استدلال را سامان میدهد. گویا در هنگام استدلال، با خود نطق میکند. پس از تنظیم استدلال نیز با سخن گفتن و نطق، محتوای استدلال را به دیگران منتقل مینماید.

۱۵) انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راس تقامت؛ با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است و همان طور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد و هر دو حیوان شمرده میشوند، انسان نیز به جز پیچیدگی بیشتر، تفاوت حقیقی با آنها ندارد

۱۶) دین... کتاب اسمانی ... نوشته های افلاطون و ارسطو.... مشاوهده عارفانی که شهود میکردند...

۱۷) ملاصدرا

۱۸) پس انسانی که آراسته به چهار فضیلت حکمت خویشان داری، شجاعت و عدالت است، نیکبخت است.

۱۹) اعتقاد به خداوند، گرچه عامل تقویت کننده است، اما به این معنا نیست که عمل به فضیلت قطعی و حتمی میشود، زیرا در هر صورت، انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات، از فرمان خدا هم سرپیچی نماید.

۲۰) از نظر این دسته از فلاسفه، گروه انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام میدهد بنابراین خوب و بدعناوینی هستند که خود ما به هر کار میدهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضرمان از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت کند؛ زیرا، در غیر این صورت، منفعت خودش نیز حفظ نمیشود. پس اولین قانون اخلاقی این است: آنچه برای خود میپسندی، برای دیگران هم بپسند. در این صورت است که میتوانی با دیگران زیست کنی.» بر همین اساس، توماس هابز میگوید: هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند بنابراین دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده است

